



"دوراونتاش" یا شهر "اونتاش گال شاه ایلامی" (چغازنبیل کنونی)

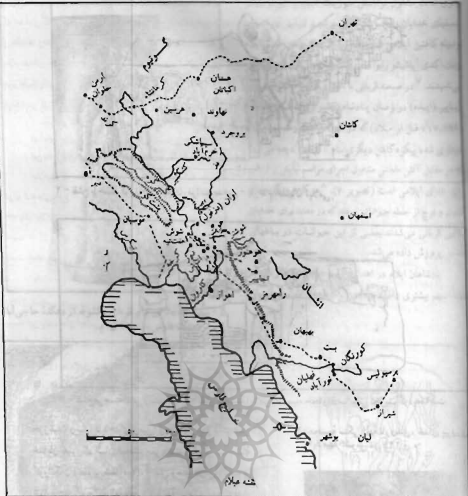
محمد رحیم صراف

۱- روند تاریخی ایلام:

در حدود ۵۰۰۰ سال پیش سرزمین ایران در روند تکاملی از دوره پیش از تاریخ گذشته و در منطقه جنوب غربی خود وارد دوره تاریخی گردید. علل تحولات وسیع پیش آمده پیشرفتهای فراوان و مهم در امور اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و غیره بوده است. در بین این تحولات شگفت آور در حد پدیده مهم دیگر به چشم می خورد. یکی ابداع خط "پیکتوگرافسی" یا خط تصویری و دیگری تشکیل حکومت مرکزی در این منطقه بوده است. همان طور که در تاریخ، سومریها ابداع کننده خط در بین النهرین معرفی شده اند، تلاش قوم ایلام در سرزمین ما نیز در این راه شایان توجه است. تشکیل حکومت مرکزی به دست ایلامیها دومین پدیده مهم این دوره محسوب می گردد. آثار و مدارک مکشوفه از مناطق باستانی جنوب غربی ایران نشان می دهد که پایه های اولیه حکومت مرکزی در ایران از اوایل هزاره سوم قبل از میلاد (حدود ۵۰۰۰ سال پیش) با روی کار آمدن سلسله اوان ریخته شد و بعد از آن به تزیب سلسله های دیگر ایلامی یعنی سیماش، اهارت، ایکهانگی، شوتروکها و ایلام نو

موجودیت حکومت مرکزی را تا حدود ۶۴۰ قبل از میلاد (۲۶۴۰ سال پیش) پایدار نگه داشتند. اما متأسفانه محرم لشکریان آشور بانیپال، شاه کشور آشور و شکست هومیان هانناش سوم پادشاه ایلام (۶۴۴-۶۴۸ قبل از میلاد؟) باعث شد که دولت ایلام موجودیت خود را از دست داده و بعدها تبدیل به یکی از ساتراپهای دولت مقتدر هخامنشی گردد. ناگفته نماند که وجود رودخانه های بزرگ و پرآب و ز و کرخه در دشت خوزستان باعث رونق و شکوفایی امور کشاورزی و پیشرفت اقتصادی این منطقه در آن زمان شده و همین انگیزه و عوامل و علل دیگر منجر به تشکیل حکومت مرکزی ایلام شده بود.

رودخانه دز که از کوه های استان لرستان سرچشمه می گیرد بعد از عبور از دشت خوزستان، به موازات رودخانه کرخه به طرف جنوب سرازیر گردیده و بعد از پیوستن به رود کارون در بند قیر مسیر خود را به سمت جنوب ادامه می دهد و بعد وارد اروندرود شده و به خلیج فارس می ریزد. آثار موجودیت اولین دولت مرکزی در ایران یعنی دولت ایلام در اطراف در رودخانه مذکور و در مناطق شوش، هفت تپه، دهنو، چغازنبیل، چغامیش، ارجان بهمان، کول فره، ایشکنت سلمان (پذه) و غیره تا کنون به دست آمده است. (تصویر شماره ۱) محدوده جغرافیای سیاسی که تا کنون با کشف آثار و مدارک باستان شناسی برای دولت ایلام قابل تصور است از شمال به خرم آباد، از شمال شرقی به قسمی از استان اصفهان، از مشرق به استان فارس، از جنوب به خلیج فارس و از مغرب به کشور باستانی بین النهرین محدود است. آنچه که بیش از هر موردی در روند تاریخ موجودیت سیاسی کشور ایلام جلب نظر می کند فراز و نشیبهای زیادی است که این دولت در اثر مجاورت با همسایه غربی خود یعنی بین النهرین با آن مواجه بوده است. آثار و مدارک باستان شناسی نشانگر وقوع جنگهای متعددی است که بین سردمداران سرزمین بین النهرین و پادشاهان ایلام از آغاز موجودیت تا پایان حکومت آنها اتفاق افتاده است و بالاخره نیز متأسفانه این قوم به عنوان اولین دولت مستقل در سرزمین باستانی ایران با تجاوز آشوریان از صحنه تاریخ حذف گردید.



۱- موقعیت جغرافیایی چغارتلیل (دور اوتناش) و سایر آثار ایلامی خوزستان

رسال جامع علوم انسانی

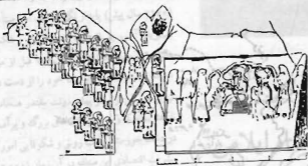
۲- مذهب ایلام:

پادشاه سلسلهٔ اوان (۲۲۴۰-۲۲۷۰ قبل از میلاد) و تاراسین پادشاه اکده در بین شهریین است.^۱

بررسی متن این کتیبه نشان می‌دهد که مردم ایلام به دماغ خدا (رب النوع یا ربه النوع) اعتقاد داشته‌اند. در بین آنها خدایایی مثل بی‌یتنکر (الههٔ آسمان و مادر خدایان ایلام)، هوسمان (خدای ایلام)، ایشتوشیناک (خدای شوش و دور اوتناش)، تاروندی (الههٔ پیروزی)، ناهوتنه (خدای

به علت محدودیت آثار و شواهد باستانی مکشوفه در رابطه با مذهب ایلام، متأسفانه اطلاعات و دانش کسی در دست است. اما علیرغم این قلت آثار باستانی باز هم می‌توان با بررسی و مطالعهٔ آنها تصویر کلی از وضعیت مذهب در کشور ایلام بدست آورد.

قدیمیترین مدارک موجود مربوط به مذهب ایلام، لوح گلی مکشوفه از شوش است که بیانگر میثاق دوستی بین هیتا



۲- نقش برجسته کورانگون فهلبان، مراسم مذهبی - بارعام خدایان ایلامی.



۳- نقش برجسته نقش رستم فارس - نقش برجسته ایلامی به وسیله حجاران ساسانی تخریب گردیده است.

۲- مجسمه سنگی الهه ناروندی، خدای پیروزی ایلامیها - شوش در ۲۲۷ ق.م.



خورشید) و نیورنا (خدای زمین) وجود دارند و اکثر این خدایان بصورت انسان تجسم می‌یافتند. نقوش برجسته کورانگون (تصویر شماره ۲)، نقش رستم فارس (تصویر شماره ۳)، مجسمه الهه ناروندی (الهه پیروزی) مکشوفه از شوش (تصویر شماره ۴)، نقوش الهه‌ها روی جام معروف مردوشت (تصویر شماره ۵)، نشان می‌دهد که ایلامیها اکثر خدایان خود را در شکل و نمود انسانی مجسم می‌نمودند. ایلامیها بیکر ههای خدایان خود را به صورت مجسمه ساخته و آنها را طی تشریفات مذهبی به معابد حمل می‌کردند. اکثر مجسمه‌های خدایان به دستور پادشاهان و حکام محلی از سنگ، فلز و گل ساخته و به معابد اهداء می‌شد. اثر مهر گلی مکشوفه از شوش صحنه روشنی از این نوع تشریفات مذهبی را نشان می‌دهد (تصویر ۶). روی این اثر مجسمه یکی از خدایان بر روی تخت روان در حال حمل است، شخصی در

قربانی تحت مشغول نواختن سوز یک است و الهراد دیگر
 - آسمان خدایان را حمل می‌کنند. مراسم نیایش در معابد
 وسیله کاهنین ایلامی صورت می‌پذیرفت. کاهن اعظم ایلام
 زبان کدی پاشیورابو نام داشت و کاهنان عادی را "شائین"
 می‌نامیدند.^۷ در صحنه قربانی با حضور هانی حکمران محلی
 آپیر (ابنده) در زمان پادشاهی شوتروک ناهوت دوه
 ۶۹۹-۷۱۷ قبل از میلاد که در کول فره بصورت برجسته
 مجاری شده پیکره کاهن دیگری نام "کوتور" دیده می‌شود
 که در مقابل آتش مقدس مشغول اجرای مراسم نیایش و قربانی
 برای خدای ایلامی است (تصویر ۷).^۸ بز کوهی، گوسفند،
 گاو و بز و قوچ از جمله حیواناتی بودند که در معابد برای خدایان
 ایلامی قربانی می‌شدند بعضی از این حیوانات در باغهای
 مقدس پرورش داده می‌شد.

پادشاهان ایلام در اهدای این نوع حیوانات قربانی به
 معابد سهم بیشتری داشتند. بعضی اوقات حیوانات قربانی از



۵ - پیکر الهه ایلامی جام نقره‌ای مکشوفه از دهکده حاجی آباد
 مرو دشت فارس، د ۲۲۷ ق. م.



۷ - کول فره (ابنده) مراسم مذهبی ایلامی در حضور هانی حاکم آپا پیر
 (۷۱۶ - ۶۹۹ ق م) شاه در وسط نوازندگان در قسمت فوقانی دست
 راست و زیر کاهن، در مقابل آتشدان مشغول انجام مراسم قربانی است.



۶ - اثر مهر گلی مکشوفه از شوش، مجسمه
 خدایی بر روی تخت روان سبلیهای
 خدایان در حال حمل به معبد.

راههای دور به معابد آورده می‌شد. در یکی از منابع ذکر شده که تعدادی گاو تر از زابان در منطقه سفلای رودخانه زاب بعد از هفت ماه راهپیمایی به شوش آورده شده است.^۹ پادشاهان ایلام اهدای حیوانات قربانی و معابد، به خدایان خویش را جزو افتخارات خود می‌دانستند به طوری که هانی حاکم آبابهر (ایبده) در کتیبه کول‌فره می‌گوید:

من در تسل می‌تم ۱۲۰ بز گوهی را گرفته و عوشتان را دو آبابهر برای خدایان در ساختمان (معبد) قربانی کرده. من این بنا را برای عشنودی خواننده برپا داشتم.^{۱۰}

ایلامیها به بک قدرت اسرار آمیزی اعتقاد داشتند که در نوشته‌های خود از آن با کلمه "کیش" یا "کیدن" نام می‌برند. خدایان ایلامی صاحب این قدرت اسرار آمیز بودند و کسی که نسبت به آن بی‌احترامی می‌کرد می‌بایستی زندگی خود را از دست بدهد.

پادشاهان ایلامی با اهدای هدایا و مخصوصاً اهدای بناهای مذهبی سعی در جلب توجه چنین خدایانی داشتند. از جمله این پادشاهان ایلامی "اوتناش گال" یا "اوتناش ناپیریشا" است که یکی از پادشاهان سلسله شوتروکها بوده و در طول سالهای ۱۲۴۰-۱۲۷۵ قبل از میلاد بر ایلام حکومت می‌کرد. این پادشاه شهر مذهبی "دوراوتناش" را در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شوش ساخت و به خدایان خویش مخصوصاً خدای اینشوشناک (خدای شهر شوش) اهداء نمود که در زیر به بررسی این شهر مذهبی و باستانی می‌پردازیم.

۳- دوراوتناش (چغازنبیل):

در سال ۱۳۰۴ شمسی گروهی از زمین‌شناسان به سرپرستی براون اهل زلاندنو که در دشت خوزستان (اطراف شوش) مشغول بررسیهای هوایی بودند از فراز منطقه‌ای عبور می‌کنند که به نظر آنان نشان از وجود آثار باستانی وسیع و گسترده‌ای داشته، آنها مشاهدات خود را به سرپرست هیأت حفاری وقت شوش کنت دومکنم گزارش می‌دهند. باستان‌شناس نامبرده از محل مذکور بازدید و بررسی نموده و در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ میلادی اقدام به گمانه‌زنی می‌کند.

نتایج گمانه‌زنی بسیار رضایت‌بخش بود، به طوری که از این گمانه‌زنی دو آجرکتیبه‌دار به دست آمد. ترجمه کتیبه‌ها نشان داد که آنها به خط میخی ایلامی نوشته شده و مربوط به اهدای

معدنی از طرف اوتناش گال پادشاه ایلامی از سلسله شوتروکها می‌باشد که در سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد بر کشور ایلام حکومت می‌کرد. ۱۱ حفاری کنت دومکنم را در گبرشمن از سال ۱۹۵۲ پیگیری نمود که نتایج آن در دو مجلد تدوین، چاپ و منتشر گردیده است.^{۱۲}

جسته و گریخته وضعیت آثار مکشوفه به صورت مقالاتی در مجلات بزبانهای فارسی^{۱۳} و بیگانه^{۱۴} چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

دوراوتناش یا چغازنبیل در محوطه‌ای به طول و عرض حدود ۱۳۰۰ × ۱۰۰۰ متر ساخته شده و در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار دارد. رود دز از جهت شمال غربی به فاصله یک کیلومتری آن به طرف شمال شرقی عبور می‌کند (تصویر شماره ۸). سه حصار خشتی نودر تو اینها مذهبی و غیر مذهبی شهر را محصور می‌سازد (تصویر شماره ۹). در حد فاصل حصار اول یا حصار خشتی بزرگ و حصار میانی یا حصار دوم کاخهای شاهی قرار دارد. هر چند قسمت اعظم کاخها به دلیل حمله سربازان آشور و نیز عدم حفاظت صحیح در طول فرنهای گذشته شدیداً تخریب گردیده ولی وجود این بقایای سه کاخ با مصالح خشت و آجر از زیر خاک خارج شده است. دروازه اصلی روی حصار بزرگ در جهت شرقی قرار دارد. هیچ کس از دروازه اصلی نمی‌توانست مستقیماً وارد منطقه کاخها شود، زیرا فضای مستطیل شکلی در جلوی دروازه تعبیه شده بود که مانع از ورود مستقیم افراد به منطقه کاخها می‌شد.

در مقابل دروازه اصلی دروازه دیگری تعبیه شده بود که اشخاص یا عبور از این دروازه می‌توانستند وارد منطقه کاخها گردند. بنای اولین کاخ در سمت راست دروازه‌های مذکور قرار دارد. پلان این کاخ عبارت از دو حیاط مرکزی و تعدادی اتاق در اطراف آنها می‌باشد. (تصویرهای شماره ۱۰

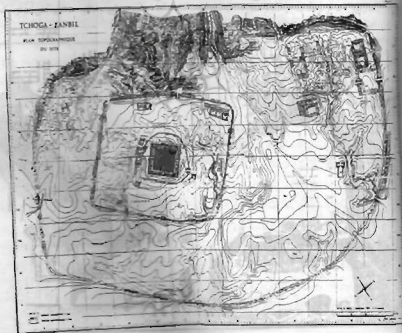
۱۱)

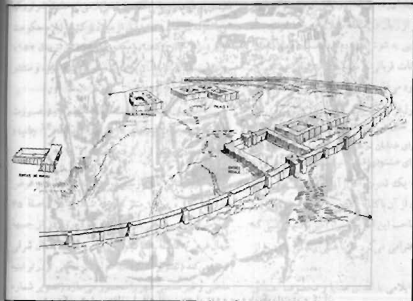
دومین کاخ در فاصله ۲۰۰ متری سمت غربی کاخ اول بنا گردیده است. آثار و بقایای حداقل سه حیاط مرکزی با تعدادی از اتاقها در اطراف آنها در این محل از زیر خاک خارج شده است. بقایای سومین کاخ در قسمت جنوب کاخ



۸- عکس هوایی جنازنبیل فاصله بین حصار دوم و سوم بازیگورات در مرکز آن.

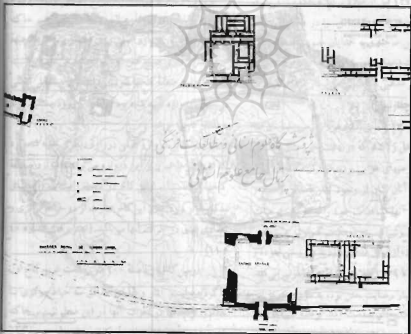
توپوگرافی شهر باستانی جنازنبیل (دوران تاش).





۱۰- دورنمای منطقه سیاسی و مذهبی (کلیسای شاهي و مسجد) در محدوده حصار اول و دوم.

۱۱- نقشه ابنیه شاهي و مذهبی (کلیسای، کاخ مردگان، معبد نوسنگی) واقع در بین حصار اول و دوم.



مردگان و به فاصله ۷۰ متری کشف شد. در این کاخ اشکانهای
شمسی احداث شده بوده، علاوه بر آن در کف راهروهای
اشکانهای آن مندرجهای مشاهده شد که به آرامگاههای
شورجیسی منتهی می شد. مجموعاً ۵ آرامگاه زیرزمینی در این
کاخ کشف گردید. در آرامگاه شماره ۴ سکوی بزرگ وجود
داشت که بر روی آن اسکنههای سوخته قرار داشتند. حصار
معلقه است که مراسم سوزاندن اجساد در ایلام اقلاد در بین
خاندان شاهی رواج داشته است (تصویر شماره ۱۲).
در ... (تصویر شماره ۱۲)

آرامگاهها با طاق هلالی و از مصالح آجر ساخته شده
و برای ملاط آن از قیر استفاده گردیده است. بعضی از این
آرامگاهها دارای یک طاق بزرگ و برخی دیگر شامل دو
طاق بزرگ تو در تو بود.

به علت وجود آرامگاههای مذکور در کاخ سوم، کاخ
مذکور بنام "کاخ مردگان" معروف گردید. هر چند در محدوده
بین حصار بزرگ و حصار میانی، کاخهای شاهی قرار دارد و
انتظار نمی رفت که در این منطقه آثار و شواهد بنای مذهبی نیز
پیدا شود، اما کاوشگران در فاصله ۱۸۰ متری جنوب شرقی

۱۲ - جغازنیل، کاخ مردگان، آرامگاه شماره ۴ با سکوی
جهت قرار دادن اجساد پادشاهان ایلامی

کاخ مردگان به این سبب نام "کاخ مردگان" را
اطاق یا یک طاق عرضی و یک تالار طولی تشکیل گردیده و
مدخل آن از طرف سمت کاخهای مذکور تعبیه شده بود. در
قسمت مرکزی تالار آثار یک سکو جهت قرار دادن آتشدان
مقدس یا مجسمه خدای نوسکو خدای آتش ایلامی مشاهده
می شود. این معبد فاقد سقف بوده و تنها معبدی است که در
منطقه مابین حصار بزرگ و حصار میانی احداث شده است
(تصویر شماره ۱۱، ۱۱، ۱۱، ۱۱)

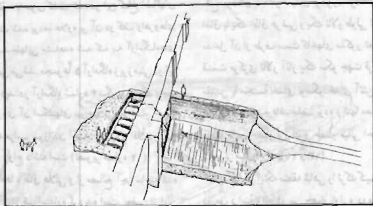
(تصویر شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۳)

لیل از اینکه منطقه شاهی را ترک کنیم و به بحث خود
در مورد ابنیه واقع در بین حصار اول و دوم خاتمه دهیم، به
یک مورد دیگر آثار معماری دوره مذکور اشاره می شود.

در جهت مخالف منطقه شاهنشین بنا در جنبه
شمال غربی و روی حصار خشتی بزرگ آثار تئیه خانه عظیم
آب مشاهده می شود. وجود تئیه خانه در این محل نشانگر
آن است که معماران و دست اندرکارانی که بنا به فرمان
اوتاش گال مأمور احداث یک شهر بزرگ مذهبی - سیاسی
بودند، لزوماً به مسئله آبرسانی چنین شهر عظیم نیز توجه کافی

۱۳ - معبد خدای نوسکو، خدای آتش در نزدیک کلنجا





۱۲- تصفیه خانه آب در حصار اول خشکی منطقه غربی جغازنبیل

متأسفانه علیرغم حفاری و کانال کشی گسترده به طرف شهر، هنوز هم این سئله که وضعیت آبرسانی به قسمت داخل شهر در آن روزگار چگونه بوده و همچنین وضعیت کانال ۵۰ کیلومتری روشن نشده است.

حصار میانی یا حصار دوم محدوده کوچگتری از شهر را در بر گرفته است به طوری که حدود ۴۰۰ × ۴۵۰ متر بوده و بصورت تقریباً مستطیل شکل می باشد. در روی حصار خشکی دوم آثار سه دروازه بزرگ و یک دروازه کوچک دیده می شود. دو باب از این دروازه ها در جبهه های شمال شرقی و جنوب غربی و تا اندازه ای مقابل هم احداث شده و دو دروازه دیگر در نزدیکی هم و در جهت جنوب شرقی برپا گردیده است. یکی از این دو دروازه بزرگ و دیگری کوچک می باشد. دروازه بزرگ به دروازه شوش موسوم است. وقتی از این دروازه وارد منطقه داخلی بین حصار دوم و سوم می شویم. در قسمت راست آن آثار چهار بنا یا چهار معبد چسبیده به هم مشاهده می نمایم (تصویر شماره ۱۵ و ۹ و ۸). سه معبد از این چهار معبد تقریباً شبیه هم هستند. معابد سه گانه به صورت مستطیل شکل است، مدخل آنها از ضلع جنوب غربی است و این مدخل به یک فضای مستطیل شکل ارتباط می یابد و در وراء آن حیاط قرار دارد. نیایشگران بعد از ورود به حیاط به وسیله یک مسیر موزب که با آجر ساخته شده بطرف مدخل اطاق اصلی معبد هدایت می شده اند.

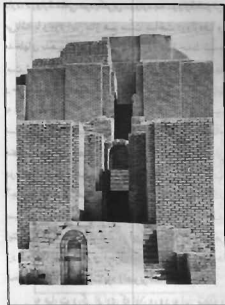
در وسط حیاط سکویی تعبیه شده است که بنا به نظر

داشته اند. هر چند رود دز به فاصله نزدیک، یعنی حدود یک کیلومتر و نیم این شهر و از جبهه شمال غربی به شمال شرقی آن می گذرد ولی رودخانه مذکور حدود ۶۰ متر از سطح شهر پائین تر است و در شرایط آنروز امکان هدایت آب دز به این شهر به دلیل اختلاف سطح وجود نداشت.

معماران و سایر دست اندرکاران ایلامی جهت رفع این مشکل و رساندن آب به شهر اقدام به حفر کانالی از محل پایه محل بمنظور استفاده از آب رودخانه کرخه نمودند. بدین ترتیب آب رودخانه کرخه بعد از طی مسافتی در حدود ۵۰ کیلومتر در کانال احداث شده وارد تصفیه خانه شمال غربی دوراتاش (جغازنبیل) می شد، تصفیه خانه دوراتاش حدود ۱۰/۷۰ متر طول، ۷/۲۵ متر عرض، و ۴/۳۵ متر عمق دارد. برای ساختن آن از مصالح آجر و ساروج استفاده شده، در قسمت تحتانی آثار ۹ حفره مستطیل شکل دیده می شود که آب بعد از تصفیه از این حفره ها به طرف شهر سرازیر می شده است. (تصویر شماره ۱۴)

اوتاش گال یا اوتاش نابریشا در یک کتیبه ای راجع به این کانال می گوید:

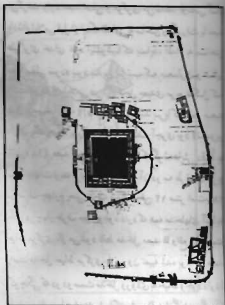
من اوتاش نابریشا، پسر هومیان نومن. شاه شوش و اتران، آرزوی قلبی ام را برآورده و کتالی ساختم نام به شهرت من است. با استفاده از قنوت سلطنتم، برای زندگی و برای احترام، در طول روزها و سالها، و آن را به خدایان هومیان و اینشوشتاگ محافظان حرم مقدس وقف



۱۶- مدخل جنوب شرقی معبد آپدوشینای باسکوهای قریانی.

سه گانه فوق الذکر (با فضای معماری بیشتر) دیده می شود. معبد مذکور برای خدایان روح "آورائیر" و "هشمینگ" (خدای آزان و همسرش) ساخته شده اند.

بر طبق بررسی به عمل آمده به نظر می رسد که حصار سوم با حصار مرکزی هفت دروازه داشته و در مقابل هر دروازه یک معبد احداث شده بود از هفت معبد فقط چهار معبد از زیر خاک خارج شده است که به ترتیب معبد خدای "گال" (خدای بزرگ ایلام) در کنار دروازه شمالی، معبد آپدوشینی کارگت و "کنی ری ریشا" (الهه سوگند و زیرزمین، الهه مادر سراسر خلیج فارس) در سمت چپ معبد خدای "گال" و در جهت شمال غربی و دو معبد ناشناخته در کنار دروازه های غربی و جنوب شرقی (دروازه شاهی) شناسایی شده است (تصویر شماره ۱۵). در حه این معابد تقریباً از یک سیستم معماري واحد پیروی شده است، بدین ترتیب که معابد مذکور دارای یک حیاط مربع مستطیل شکل و اطرافهایی در دو یا چهار طرف آن تعبیه شده است. دروازه شاهی که بزرگترین دروازه در روی حصار سوم و حتی در بین تمام دروازه های دروازه های می باشد، در جهت جنوب شرقی زیگورات قرار



۱۵- وضعیت منطقه مذهبی بین حصار دوم و سوم.

حصار سکوی قریانی می باشد. اطاق اصلی معبد که به شکل چهار گوش است به وسیله دیواری به دو اطاق مستطیل شکل تقسیم گردیده است. در وسط اطاق اول که مدخل حیاط مستطیماً به آن باز می شود یک یا دو سکو احداث شده است که محل قرار دادن مجسمه خدایان ایلام می باشد. از کاربرد اطاق دوم و نیز سایر اطافهایی که در اطراف حیاط ساخته شده اطلاعی در دست نیست. به نظر می رسد که اطافهای مذکور محل مخصوص کاهنان و خدمه معبد باشد.

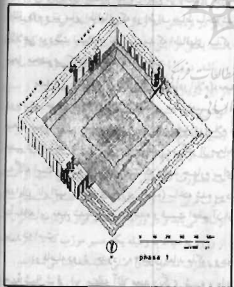
معبد اول برای خدای پی نیکن (الهه مادر ایلام)، معبد دوم برای خدای "آد" و "تینالی" (خدای هوا و همسرش) و معبد سوم برای "سیموت" و "سزات" (خدای ایلام و همسرش) ساخته شده است. معبد چهارم بزرگتر از معابد سه گانه است و علت آنهم این است که معبد چهارم برای خدایان "آپرائپ" (الهه های روزی دهنده) ساخته شده بود. متأسفانه این معبد شدیداً تخریب شده و قسمت اعظم آن از بین رفته است.

در فاصله دورتر حدود ۲۰۰ متری معابد مذکور و در جهت شمال شرقی این منطقه آثار معبد دیگری شبیه معابد

می‌گرفت وارد معبد اصلی و مرکزی می‌شدند. اوتانش گال پادشاه ایلامی قبل از اینکه اقدامی به ساختن زیگورات با معبد علیا برای خدای خود اینشوشیناک بنماید، اقدام به ساختن معبد سفلی نموده بود بدین ترتیب که معماران و سایر دست‌اندرکاران ایلامی در این محل معبدی مربع شکل که طول هر ضلع آن ۱۰۵/۲۰ متر می‌باشد برپا کردند. معبد دارای یک حیاط بزرگ مرکزی با کف آجری بود (تصویر شماره ۱۸). معبد طوری ساخته شده که گوشه‌هایش دقیقاً به سمت جهات اربعه قرار گرفته، ارتفاع آن در سه طرف ۸ متر و در طرف چهارم یعنی طرف شمال‌شرقی ۱۲ متر است، ۲۸ اتاق در چهار طرف معبد وجود دارد که همه مدخلهای آنها به حیاط مرکزی باز می‌شود فقط مدخل معبد B واقع در سمت راست مدخل حیاط مرکزی، از بیرون تعبیه شده بود. دو معبد کوچک‌تری که در دو سمت مدخل ورودی به حیاط وجود دارد از طرف حصار معابد اینشوشیناک A و B نامگذاری گردید (تصویر شماره ۱۸-۲۱).

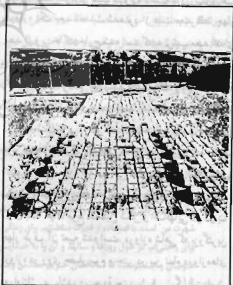
مدخل معبد اینشوشیناک A از داخل حیاط مرکزی بود. بعد از هر ۱۱ رج آجری نمای این مدخل یک رج با آجر

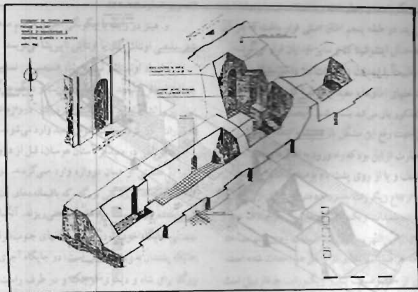
۱۸- معبد سفلی خدای اینشوشیناک با حیاط مرکزی، معابد و اطرافهای اطراف در دوره اول معماری.



می‌باشد با وجود این باز هم سنت ساخت دروازه‌ها و مدخلهای مذهبی در برپایی این نوع دروازه‌ها حفظ شده است. توضیحاً در آن دوره این طور متداول بوده که دروازه‌ها و مدخلها در مقابل همدیگر قرار نگیرد تا بدین وسیله واردان به این منطقه مذهبی نتوانند از دروازه‌ها و مدخلها دید مستقیمی به درون معبد داشته باشند. به نظر می‌رسد که تمام منطقه محصور بین حصار دوم و سوم سنگنشرش بوده است. از دروازه بزرگ و عظیم و باشکوه شاهی دو راه مورب آجر فرش به طرف معبد مرکزی یا اصلی احداث شده است. مسیر سمت راست مستقیماً به جلوی مدخل اصلی معبد اینشوشیناک کشیده شده است. در این قسمت دو ردیف و هر ردیف شامل هفت سکوی آجری تعبیه شده بود. این سکوها مخصوص قربانی حیوانات بود (تصویر شماره ۱۷ و ۱۸).

به عبارت دیگر افرادی که اذن ورود به این منطقه و معبد آن را داشتند می‌بایستی بر روی این سکوها حیواناتی را برای خدای اینشوشیناک (خدای شورش و دوراوتانش) قربانی کنند. آنها بعد از اجرای این مراسم که در مقابل کاهن انجام ۱۷- سکوهای قربانی با مصالح آجر در دو ردیف و هر ردیف به تعداد ۷ عدد در جلو مدخل جنوب شرقی زیگورات.



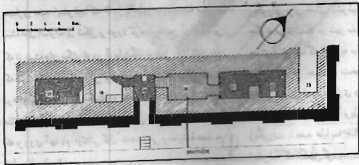


۱۹- وضعیت معبد خدای اینوشیناک A

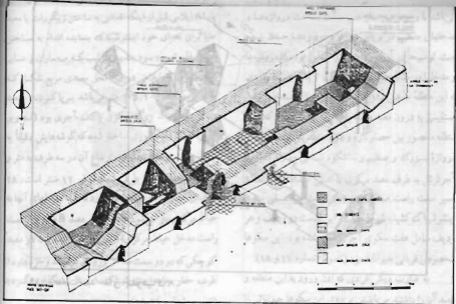
آخرین تحقیقاتی که راجع به وضعیت حیاط مرکزی انجام گرفت نشان می‌دهد که در قسمت مرکزی حیاط حوض بزرگی برآز آب بوده است و نیایشگران قبل از ورود به داخل معبد اینوشیناکند A می‌بایستی خود را با آب آن تطهیر می‌کردند تا اذن ورود به داخل معبد را بدست بیاورند. ۱۹
 معبد اینوشیناکند B در سمت راست مدخل قرار دارد. محل ورودی این معبد برخلاف معبد اینوشیناکند A از داخل حیاط مرکزی نبوده بلکه از محوطه بیرونی معبد می‌باشد. در این معبد ۵ اتاق وجود داشت. سومین اتاق که کف آن با آجر فرش شده است بزرگترین اتاق محسوب

مخطوط وجود داشت که در آنها از اهدای معبد به خدای اینوشیناکند به وسیله اوتاش گال شاه ایلامی سخن رفته است. در این معبد آثار و بقایای چهار اتاق نودتو به دست آمده که کف آنها یک در میان آجر فرش یا سنگ فرش شده بود. در اتاق دوم یک سکوی قربانی و در اتاق سوم که بزرگترین و مهمترین اتاق معبد بود یک محراب و یک طاقچه جهت قرار دادن مجسمه رب النوع یا اربابانواع وجود داشت.

با بررسی آثار مکشوفه مشخص شد که نیایشگران بعد از ورود به داخل این معبد ضمن انجام مراسم قربانی در محراب و مقابل مجسمه خدای اینوشیناکند نیایش می‌کردند.



۲۰- نقشه معبد خدای اینوشیناکند B



۲۱- معبد خدای ایشوشیناک B

می‌شده و کف بقیه اطاقها سنگ‌تراش است. یک سکوی کوچک آجری به شکل مربع در اطاق اول و در سمت مقابل مدخل قرار داشت. در اطاق سمت چپ نیز سکوی بزرگ دیگری تعبیه شده است این سکوها جهت قرار دادن مجسمه خدایان و نیز احتمالاً برای قربانی کردن حیوانات بود. در کف اطاقها آثار پاشه سنگی در وجود داشت و نیز سنگهای بزرگ سوراخدار مخصوص وصل کردن کتون در نیز در دیوارهای اطاق‌ها بکار برده شده است (تصویر شماره ۲۱).

باستان‌شناسان هنگام حفاری و بیرون آوردن بقایای معماری معبد ایشوشیناک B در لایه‌ی خاک‌کها به بقایای شیشه‌های استوانه‌ای شکل برخورد کردند. نتایج آزمایشهایی که از شیشه‌های مکشوفه در آزمایشگاه به عمل آمد نشان داد که شیشه‌های مذکور رنگی بوده است از این شیشه‌ها جهت درها و پنجره‌های معبد استفاده شده است. در داخل سایر اطاق‌ها تعداد زیادی گِل‌سینهای سفالی تزئینی وجود داشت که بر روی آنها نام "اوتانش گال" شاه ایلامی و سازنده‌ی معبد به خط سبخی نثر شده بود.

به نظر می‌رسد که مدت زیادی از احداث معبد سفلی نگذشته بود که پادشاه ایلامی به فکر ساختن معبد باشکوه‌تر دیگری برای خدای ایشوشیناک می‌افتد. این مسئله که اوتانش گال به چه دلیل به فکر ساختن زیگورات یا معبد علیا برای خدای محبوب خود می‌افتد پد رستی روشن نشده است، لیک می‌توان تصور کرد که اوتانش گال از وضعیت زیگوراتهای بین‌النهرین و عظمت آنها آگاهی داشته و نمی‌توانست در مقابل شکوه و عظمت چنین معابدی به وجود معبد سفلی اکتفا کند و به احتمال قوی به همین جهت وی تصمیم به ساختن زیگوراتی برای خدای ایشوشیناک در دوراوتانش گرفت. اما چگونه می‌توانست در شهر مذهبی خود با وجود معبد سفلی خدای ایشوشیناک اقدام به ساختن معبد بزرگتر و باشکوه‌تر دیگری بنماید. معماران، متخصصین و تمام دست‌اندرکاران ایلامی در این مورد به باری وی شتافتند. زیگورات باید در حیاط مرکزی معبد سفلی برپا شود. یا این تفکر طرح ایجاد زیگورات یا معبد علیا به جای معبد سفلی برای خدای ایشوشیناک تکمیل گردد.

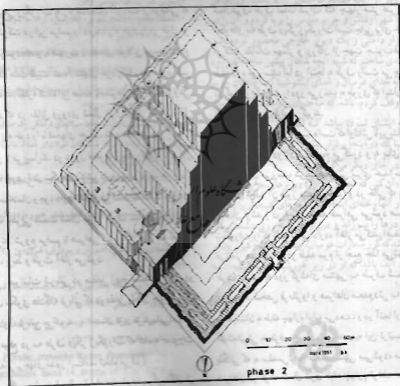
و. هیتز در رابطه با چگونگی اجرای مراسم مذهبی در شهر مذهبی اونتاش گال یا اونتاش ناپیرشا می‌نویسد:

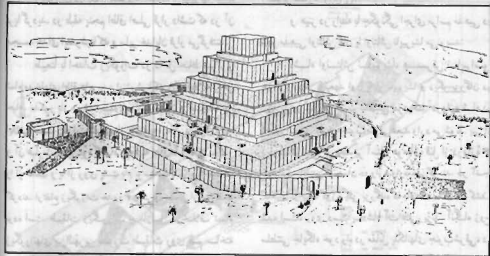
شاه اونتاش ناپیرشا، همسرش ناپیراسو، خواهرزاده‌اش ولیعهد اون پاتار ناپیرشا و دیگر بزرگان در ارابه پیروزشان از حریم سلطنتی نزدیک دروازه شاه در زیگورات در طرف جنوب شرقی معبد وارد می‌شوند. پس از زيارت کوتاهی در معبد بر استان هومبان، قبل از دروازه ۴، خانواده سلطنتی از همان دروازه وارد می‌گردند. در آنجا کاهنان از یک کوزه گلی بزرگ، که باقیمانده‌های آن کشف شده است، روی دست پادشاه آب می‌ریزند. آنگاه زوج سلطنتی جایگاه خود را، در مقابل بلکنهای جنوب شرقی، در حالی که پشتشان به دیوار درونی است، دو جایگاه آجری، یکی بزرگ برای شاه و دیگری کوچک و در طرف راست برای

زیگورات در چهار طبقه و با استفاده از میوه‌ها حنث می‌گردید. در طبقه پنجم اتاق اصلی قرار داشت که در آن معبد خدای ایشوشیاک و سایر خدایان قرار می‌گرفت.

طبیعتاً با احداث زیگورات در داخل حیاط مرکزی تمام مدحهای اتاق‌ها و معبد ایشوشیاک که قبلاً به داخل حیاط مذکور باز می‌شد بسته شد. معماران و متخصصین ایلامی جهت رفع این مشکل باز دست به ابتکار دیگری زدند و آن عبارت از این بود که راه ورود به اتاق‌ها و معبد مذکور را از سقف و یا از روی پشت بام بوسیله بلکنهای احداث کردند. ارتفاع زیگورات حدود ۵۲ متر و متشکل از پنج طبقه بوده است. طبقات زیگورات چغازنبیل سرعلائف تمام زیگوراتهای بین‌النهرین بصورت طبقات روی هم ساخته شده بلکه هر طبقه مستقلاً و در داخل هم احداث شده است. این یکی از خصوصیات بارز زیگورات چغازنبیل است.

۲۲- برش عمودی زیگورات چغازنبیل - دوره دوم معماری





۲۳- معبد رب النوع اینشوشیناک (زیگورات چغازنبیل).

پله‌های زیگورات بالا می‌روند و جسمی از درساوبان کم‌اهمیت‌تر و کاهنان معمولی با استفاده از پلکانهای شمال شرقی، طرف تماشاگران، که چهار متر عرضتر از سکوهای سه طرف دیگر زیگورات است جایی برای خود پیدا می‌کنند. مقامات مهتر و بزرگان از جهت جنوب غرب به طبقه دوم می‌رسند، اما در اینجا به طرف راست می‌چرخند و دو گوشه زیگورات را دور می‌زنند، به طوری که ایشان هم در طرف شمال شرق قرار می‌گیرند.

اکنون زمان آن رسیده است که اوتانش ناپیرشا حرکت کند. او از میان دو ردیف منبج می‌گذرد و به پای پلکان جنوب شرق می‌رسد، شرت مقدسی برای خدا می‌بیزد (مجرای تخلیه آن هنوز مشهود است) و در حالی که به وسیله کاهنان ارشد و درباریان معتمد همراهی می‌شود صعود به زیگورات را که جنبه سستی دارد، آغاز می‌کند. اعضاء دون مرتبه‌تر همراهان او در طبقه سوم از جمع جدا می‌شوند و به طرف راست، به دور گوشه‌های مستهی به طرف شمال شرق می‌پیچند. شخص فرمانروا و همراهان سعدودش به صعود مستقیمشان به طبقه چهارم ادامه می‌دهند، و در آنجا او هم دور گوشه شرقی به طرف راست می‌پیچد و به این ترتیب به پای پلکانی که به مقدس‌ترین معبد مستهی می‌شود، می‌رسد. همراهان در گوشه شمال شرق طبقه چهارم توقف می‌کنند،

ملکه‌اش که هنوز بالی است را اشغال می‌کنند. مدتی قبل تمامی جمعیت دوراوتانش به طرف قسمت شمال شرقی زیگورات به راه افتاده‌اند، آن دسته از مؤمنانی که امتیاز شرکت در این مراسم را دارند، راه خود را در طول هر خیابان پیموه‌اند و به صورت دسته‌های طولانی در حرکتند و طبق یک سنت تثبیت شده دستهای خود را به رسم دعا برکسر گذاشته‌اند. نظاره‌کننده این صحنه بخصوص متوجه سه گروهی می‌شود که در مقابل ورودی شمال شرق دیوار سوم تشکیل شده و راه خود را با قدمهای حساب شده به سوی دروازه‌های ۶ و ۷ می‌پیمایند. در ددون محوطه زیگورات برگزیدگان جایگاه خود را در سکوهای گاشی‌کاری شده که در هر چهار طرف ساختمان وجود دارد، اشغال می‌کنند. اما اغلب مردم در محوطه جلویی قسمت شمال شرقی "طرف تماشاگران" قرار می‌گیرند. شروع مراسم با همراهی موزیک آواز به همراه چنگ، بریط و قنوت آغاز می‌شود.

حیوانات قربانی در مقابل زوج سلطنتی روی دو ردیف سکوی هفتگانه قربانی که در مقابل پلکان جنوب شرق قرار دارد، قربانی می‌شوند. به احتمال قوی قربانیهایی هم در همین موقع در سه طرف دیگر زیگورات که شاه به صورت مجسمه بر برجهای منور ایستاده، انجام می‌شود. وقتی مراسم قربانی تمام می‌شود، برگزیدگان از

جمعیت هخامنژده و احداثاتی پائین، به طرف بالا به
فرمانروای خود می نگرد که پله های منتهی به معبد عالی
ایشونیشا که را می یابید، در حالی که قطع به وسیله کاهن اعظم
صراحت می شود در این لحظه معدنی که در قله زیگورات قرار
گرفته، بر تمامی سوزیان مسلط است.

دیوارهای کاشی کاری شده آن، روکنه های طلا، و قره
و نوکر و شاخه های عظیم ریخته شده از برنز درختان که از دو
طرف آن سر برافراشته، همه در آفتاب پاییز می درخشند.

گروه مؤمنان پوشیده در ردای جشن، و در حال نیایش
با سکوت، در حالیکه نفس در سینه شان حبس شده، شاه
اونتاش ناپیرشا را که به معبد عالی نزدیک می شود، نگاه
می کنند. کاهن اعظم پس از نبرک ک درهای برنزی معبد با روغن
مقدس، آنها را برای او می گشاید، آنگاه فرمانروا به حضور
خدا می رسد ۱۷

اونتاش ناپیرشا در مورد احداث شهر خود می نویسد:

پس از آنکه مصالح ساختمانی را به دست آوردم، من
در اینجا شهر اونتاش و حریم مقدس را برپا کردم و آن را در
یک دیوار داخلی و یک دیوار خارجی محصور کردم. من
معبد بلندی ساختم که شبیه آنچه شاهان پیشین ساخته اند، نبود
و آن را به خدای هومبان و خدای ایشونیشا که، حافظان حریم
مقدس وقف کردم. باشد که ساختمان و زحمت (کار) من
موقوفه ایشان شود، باشد که لطف و عدل هومبان و
ایشونیشا که در اینجا برقرار بماند.

در جای دیگر می گوید:

و آن کس که تجاوز کند (۹) دیوارهای حریم مقدس را
آنکه در آنها رخنه ای ایجاد کند آجرهای کتیبه دار را ببرد و در
تیرهای درها را بسوزاند و دروازه ها را به روی دشمنان باز
کند، باشد که گرز مجازات هومبان، ایشونیشا که و کبر پیرشایر
او فرود آید، باشد که او در زیر غورشید عسبه ای نداشت
باشد. ۱۸

1) W. Hinz; *Das Reich Elam*, Stuttgart 1964
Abb. 21.

2) P. Amiet; *Elam*, France 1966, P. 561.

۳. ج. ر. صراف، نقوش برجسته ایلامی، انتشارات جهاد دانشگاه
تهران، تهران ۱۳۷۲، صص ۲۰۲.

4) W. Hinz; *Eine Neugefundend altelamische
Funde Silbervase. Altiranische und Forschungen*,
Berlin 1969, S. 27f.

شهبانجا.

۵. و. هیزر، ۱۹۶۲، طرح ۲۲.

۶. شهبانجا ص ۷۰.

۷. ج. ر. صراف، هفتجا شماره ۶.

۸. و. هیزر، هبای گمشده ایلام، ترجمه ف. فیروزنیا، تهران ۱۳۷۸
ص ۶۹.

۹. ج. ر. صراف، هفتجا ص ۳۰.

۱۱. سلیمان مقدم، راهنمای شوش، جغازنیل، ترجمه نوشین نلیسی،
مهرماه ۱۳۳۲، ص ۹.

12) R. Ghirshman; *Tchoga Zanbil (Dur-Uzki)*
MDP XXIX - XL, Paris 1966-1968

۱۳. ج. ر. صراف، زیگورات جغازنیل، بررسیهای تاریخی، شماره ۲،
سال ۵، تهران ۱۳۳۳، ص ۳۷، ۳۸.

۱۴. ج. ر. صراف، ساخت و حفظ میراثهای فرهنگی یک مسئولیت ملی
کتاب «بیمه کلاه گردان (ارکان سدیگای شرکتهای ساختمانی)» شماره
۹۵، مهر ۱۳۷۲، ص ۱۶، ۱۷.

۱۵. دکتر علی شهبانجا، «بیمه کلاه گردان» ترجمه ع. بهنام، انتشارات
بیتنگ، تهران ۱۳۳۵، ص ۶۸ به بعد.

۱۶. ج. ر. صراف، چگونه معبد جغازنیل کشف شد، هنر و مردم، شماره ۶۵
شماره ۱۳۳۵، ص ۲۵.

۱۷. ج. صمدی، جغازنیل، آموزش و پرورش، فروردین ۱۳۳۲، ص
۳۳۳-۳۳۴.

۱۸. ر. گیرشمن، بیتنگ، جغازنیل، ترجمه جمال الدین فروغری،
مهر، نوروز ۱۳۲۹، ص ۱۲۹۹، ۱۲۸۸.

۱۹. ر. گیرشمن، یک زیگورات ایلامی، ترجمه ج. صمدی، گزارشهای
پاستانشناسی سال ۱۳۳۲، ص ۲۲۲، ۲۲۷.

E. Porada; *Iranische Kunst, Propylaeen
Kunstgeschichte*, Band 14, Berlin 1975, S. 363 f.



۱۰-۸۰ همنان، تصوير ۲۰

۷- همنان، تصوير ۲۰

۸- گيرشمن، ۱۹۶۸، تصوير شماره ۱

۹- گيرشمن، ۱۹۶۸، شماره ۱

۱۰- همنان، نقشه شماره ۱۷

۱۱- همنان، نقشه ۱۶

۱۲- همنان، تصوير شماره ۲۲

۱۳- P.Amiot; *Elam*, Paris 1966, p.368

۱۴- ر. گيرشمن، همنان، شماره ۲۳

۱۵- آبيه، همنان، نقشه شماره ۲۵۳

۱۶- ر. گيرشمن ۱۹۶۶، تصوير شماره ۴۶/۱

۱۷- همنان، تصوير شماره ۲۶/۵

۱۸- همنان، طرح شماره ۲۷

۱۹- همنان، طرح شماره ۱۵

۲۰- همنان، طرح شماره ۱۷

۲۱- همنان، طرح شماره ۲۵

۲۲- همنان، طرح شماره ۲۹

۲۳- همنان، طرح شماره ۱

۱۵- و. هينزا ۱۹۶۶ ص ۱۹۶ ترجمه فيروزنيا، ص ۱۳۸. W. Hinz, *Die Neue Elam-Geschichte*

۱۶- گ. گروب، مراسم تظهير مذهبي ايلامي، ترجمه م. ر. صراف، ميراث فرهنگي، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۲، ص ۴ به بعد

۱۷- و. هينزا، ۱۳۷۱، ص ۲۰۷ به بعد

۱۸- ف. فيروزنيا، همنان، ص ۱۳۷

● منابع تصوير:

- ۱- و. هينزا، ۱۳۷۱.
- ۲- م. ر. صراف، نقوش برجسته ايلامي، انتشارات جهاد دانشگاهي، تهران، ۱۳۷۲، تصوير ۲.
- ۳- همنان، تصوير ۵
- ۴- و. هينزا، ۱۹۶۶ تصوير شماره ۱۲.
- ۵- عكس از آناپازن ايزي و صانقي (ميراث فرهنگي استان تهران).

